

اسناد سازمان سیا (CIA): کودتای ۲۸ مرداد ۳۲

(۱۵)

برگرفته از جلد اول کتاب « اسناد سخن می‌گویند»، پژوهش و برگردان دکتر احمدعلی رجائی و مهین سروری (رجائی).

سند شماره ۱۱۳

۸۸۸.۲۵۵۳/۱۰-۸۵۱

صورت جلسه مذاکرات، تنظیم شده توسط سرهنگ ورنون والترز^۱

محرمانه

نیویورک، ۱۱ اکتبر ۱۹۵۱

شرکت‌کنندگان: محمد مصدق نخست‌وزیر ایران

ارنست ا. گروس، (سفیر آمریکا در سازمان ملل متحد)

جورج مکگی (معاون وزارت امور خارجه آمریکا)

سرهنگ و. والترز

پس از ابراز تعارفات، آقای مکگی گفت که آنها برای دیدار با دکتر مصدق آمده‌اند و اگر او سؤالی در باره ترتیبات و طرز کار شورای امنیت داشته باشد، گروس سفیر ایالات متحده در سازمان ملل حاضر است تا به هر ترتیبی که بتواند کمک کند.

هنگام ورود گروه به اطاق، دکتر مصدق، بسیار دلگیر و رنجیده‌خاطر به نظر می‌رسید. او گفت که لحظاتی پیش سفیر مونیخ به دیدارش آمده بود و مفاد نخستین قطعنامه‌ای را که ایرانی‌ها قصد داشتند به آن پاسخ دهند به او نشان داده بود. سفیر مونیخ قطعنامه دومی را که انگلیسی‌ها می‌خواستند به جای قطعنامه اول به کار برند نیز به وی نشان داده بود. او حق تغییر قطعنامه را برای آنها قائل نبود و گفت که قطعنامه اول را پاسخ می‌دهد و از پذیرفتن متن قطعنامه دوم از سفیر مونیخ امتناع کرده بود.^۲

گروس اظهار کرد که قطعنامه دوم نسبت به قطعنامه اول مثبت‌تر و سازنده‌تر است. آن طور که وی استنباط می‌کرد، مسئله از نظرگاه ایرانیان دو جنبه دارد، نخست پاسخگویی به اظهارات گلاوین جب^۳، و دوم پاسخگویی به مفاد قطعنامه ارائه شده، که قاعدتاً همان قطعنامه دوم است. دکتر مصدق گفت که او به اظهارات جب و قطعنامه نخست که هیأت نمایندگی ایران دریافت کرده است پاسخ می‌دهد. آقای مکگی در این موقع اظهار کرد که قطعنامه اول لحن بسیار تنیدی دارد. ایالات متحده کوشیده بود تا قطعنامه‌ای سازنده‌تر و مثبت‌تر تهیه شود و در قطعنامه دوم پیشرفت قابل ملاحظه‌ای در این زمینه وجود دارد. چنانچه دکتر مصدق قصد دارد به قطعنامه اول پاسخ دهد، به دلیل آن است که نتوانسته است پیشرفتی را که صورت گرفته تشخیص دهد.

دکتر مصدق پس از آن از گروس پرسید که ترتیب و رویه کار در این مورد چگونه است؟

گروس پاسخ داد که منشور سازمان ملل حق ارائه قطعنامه را برای کلیه اعضا به رسمیت می‌شناسد. آنها می‌توانند قطعنامه را به جریان اندازند و برای همه اعضا بفرستند و اگر خواستند آن را بازپس گیرند و متن دیگری با تغییراتی ارائه کنند. انگلیسی‌ها در نظر داشتند که قطعنامه دومی را به جریان اندازند که مفهومی خود به خود پس گرفتن قطعنامه اول است. دکتر مصدق فکر نمی‌کرد که آنها حق انجام دادن این کار را داشته باشند و گفت ایرانیان می‌باید به قطعنامه اول پاسخ دهند. به علاوه، ایرانیان هیچ وقت نمی‌توانند صلاحیت شورای امنیت را نسبت به این موضوع بپذیرند.

آقای مکگی سپس پرسید که آیا آنها نمی‌توانند معنی قطعنامه را که تنها عبارت از یک درخواست از دو طرف برای ازسرگیری مذاکرات با یکدیگر است، در صورت تمایل بپذیرند حتی اگر آنها از قبول صلاحیت شورای امنیت امتناع کنند. دکتر مصدق پاسخ داد که این ممکن نیست، زیرا پذیرش مفهوم و معنی قطعنامه دلالت بر پذیرش صلاحیت شورای امنیت می‌نماید. گروس توضیح داد که این امر لزوماً این معنی را ندارد.

سپس دکتر مصدق پرسید که بریتانیا براساس کدام حق می‌تواند قطعنامه اول را که به جریان گذارده بودند پس بگیرد. او می‌خواست بداند که آیا در منشور سازمان ملل چیزی ذکر شده است که این اقدام را اجازه دهد. گروس گفت که منشور حق کلیه کشورهای عضو را برای ارائه قطعنامه بیان کرده است ولی در باره پس گرفتن این قطعنامه‌ها چیزی تصریح نشده است. معهذاً، در عمل، از آغاز تشکیل سازمان ملل این حق شناخته شده است. وی اضافه کرد که، به عنوان مثال، ما این کار را سه بار در مورد قطعنامه‌های مربوط به کره انجام دادیم.

گروس، با اشاره به موردی که یک کشور ضمن امتناع از قبول صلاحیت شورای امنیت، مسائلی را که برای رسیدگی به آنها شورای امنیت را دارای صلاحیت نمی‌دانست، مورد بحث قرار داده است، وی اظهار داشت که اتحاد شوروی از قبول صلاحیت شورای امنیت نسبت به موضوع کره امتناع کرده بود، ولی چند پیشنهاد در باره کره ارائه نمود. دکتر مصدق نسبتاً به تندی پاسخ داد که احتمالاً آنها به این دلیل این کار را کردند که احساس می‌کردند به نفعشان است، و هر کشوری باید این را حق داشته باشد که خود قاضی مصالح و منافع خویش باشد. وی سپس پرسید که آیا برای آزادی در ایراد سخنانی محدودیتی در شورای امنیت وجود دارد. گروس پاسخ داد که قطعاً محدودیتی وجود ندارد و او می‌تواند هر چه بخواهد بیان کند. دکتر مصدق که تا حدودی بر خود تسلط یافته و آرام شده بود، اظهار داشت که خوشوقت است که این را می‌شنود، چه، او نگران بود که وضع این طور نباشد. بنابراین، او به قطعنامه اول پاسخ می‌دهد. سفیر گروس توضیح داد که قطعنامه دوم تنها از دکتر مصدق می‌خواهد که آنچه میل دارد انجام دهد، از جمله از سر گرفتن مذاکرات. او اضافه کرد که اگر انگلیسی‌ها، آن گونه که دکتر مصدق عقیده دارد، گرچه ما چنین عقیده‌ای نداریم، مایل به ازسرگیری مذاکرات نیستند، او می‌تواند از قطعنامه شورای امنیت برای وارد آوردن فشار به آنها به منظور ازسرگیری مذاکرات استفاده کند. شورای امنیت به خوبی می‌تواند وسیله‌ای برای کمک به وی برای دستیابی به هدفهایش باشد. دکتر مصدق اظهار داشت ممکن است که چنین باشد، ولی او این وسیله را آن طور که مایل است آن را به کار گیرد در دسترس خود ندارد.

وی این عقیده خود را تکرار کرد که کل این موضوع می‌باید پیش از طرح در شورای امنیت فیصله یابد. او مجدداً بر لزوم سرعت در حل قضیه تأکید کرد، چرا که اوضاع در ایران به سرعت رو به وخامت می‌رود. او اظهار کرد که می‌داند انگلیسی‌ها می‌کوشند موضوع را به درازا بکشانند. وی امیدوار است که ایالات متحده در این مورد کاری بکنند. تا روز پیش وی چند بار با آقای مکگی صحبت کرده بود، و تا به حال هیچ چیز حل نشده و سرانجام موضوع به شورای امنیت می‌رود.

سپس آقای مکگی گفت که گروس برای کمک نمودن و دادن پاسخ به سؤالاتی که ممکن است دکتر مصدق در مورد شورای امنیت داشته باشد، به جلسه آمده است و نمی‌دانست آیا مطلب دیگری در این زمینه وجود دارد که دکتر مصدق مایل باشد از سفیر گروس بپرسد یا نه؟

دکتر مصدق پاسخ منفی داد. در اینجا گروس که قرار ملاقات دیگری داشت جلسه را ترک کرد. آقای مکگی گفت که وی آگاه است که دکتر مصدق می‌داند او و یا ایالات متحده اختیاری برای انجام چنین مذاکراتی ندارند، ولی به مناسبت اینکه ما دوست هر دو طرف این اختلاف هستیم، می‌کوشیم میان آنان با بکار بردن نفوذ خود میانجیگری کنیم. برای اینکه ما بتوانیم کمکی انجام دهیم، باید از افکار هر دو طرف اطلاع داشته باشیم. او از طریق مذاکراتش با دکتر مصدق، موضع کنونی ایران را مورد تحقیق و بررسی قرار داده است. این کار بدون هیچ تعهدی صورت گرفته است، با این همه، این امکان را به ما داده است تا، به امید ازسرگیری مذاکرات، در جست‌وجوی زمینه‌هایی مشترک برآییم. وی می‌داند که ما باید، در اقدامی مشابه، به تحقیق در باره طرز فکر کنونی انگلیسی‌ها پردازیم تا پی ببریم که آیا امیدی به ازسرگیری مذاکرات وجود دارد یا نه. وی درک می‌کند که این کار وقت می‌گیرد. دکتر مصدق این موضوع را تأیید نمود و اظهار داشت که مطلب را درک کرده است.

آقای مکگی اظهار کرد که هنگامی که مذاکرات در تهران قطع شد، در مورد بسیاری مسائل اختلاف نظر وجود داشت، موضوع اداره مؤسسات نفتی، غرامت، میزان نرخ تخفیف، و غیره. او سعی نمی‌کند که این اختلافات را کوچک جلوه دهد. اینها نمایانگر مشکلات جدی هستند که باید بر آنها غلبه کرد. پس از قطع مذاکرات در تهران، دکتر مصدق پیشنهادهای دیگری ارائه کرد که نشان می‌داد در مواضع پیشین او تغییراتی پدید آمده است. سعی ما در حال حاضر این است که دریابیم مواضع کنونی ایرانیان و انگلیسی‌ها چیست. آقای مکگی گفت که برخی از این اختلافات ماهیتاً حقوقی است و چون او مشاور حقوقی نیست، شاید آنها را خوب نمی‌فهمد. دکتر مصدق خندید و اظهار کرد که به همین علت است که او دوست دارد با آقای مکگی صحبت کند، زیرا او حقوقدان نیست.

آقای مکگی گفت که مایل است برخی از اصول مورد عمل در بازرگانی نفت را با دکتر مصدق مورد بررسی قرار دهد. او اظهار کرد که، طبق استنباط وی، دکتر مصدق ضرورت استفاده از یک مدیریت کارآمد و لزوم دسترسی به تحولات تکنولوژیکی در بازرگانی نفت را در جهان درک می‌کند. دکتر مصدق گفت که به واقع وی اهمیت این دو مسئله را تشخیص می‌دهد. مکگی اظهار کرد که مایل است تجارب سه کشور و نتایج حاصله از سیاستهای نفتی آنها را بیان کند.

نخست کشور مکزیکی است که بیست سال قبل نفت خود را ملی کرد و شرکتهای نفتی بیگانه را بیرون راند و برای دسترسی خود به دانش فنی تکنولوژیکی در این رشته هیچ ترتیبی پیش‌بینی نکرد. طی این دوران، مکزیکی از مقام دومین صادرکننده بزرگ نفت جهان به مرتبه‌ای سقوط کرد که تنها به اندازه نیازهای داخلی خود نفت تولید می‌کرد. در این برهه زمانی حتی یک میدان نفتی جدید هم به دیگر میدانها اضافه نشد و، به نظر آقای مکگی، منابع نفتی مکزیکی بر

بهبود سطح زندگی مردم مکزیک هیچ تأثیر جدی نگذاشت. دکتر مصدق گفت که چنانچه بابت نفت قیمت مسخره‌ناچیزی به کشور تولیدکننده نفت پرداخت شود، نظیر مورد ایران، همان بهتر که نفت در زیر زمین باقی بماند. مکگی گفت که به زودی به این نکته نیز می‌رسد. او درخواست کرد که دکتر مصدق صبور باشد. دکتر مصدق خندید و گفت که صبر می‌کند.

مکگی سپس مثال کشور کلمبیا را شرح داد، کشوری با منابع عظیم نفت که قوانین بسیار محدودکننده‌ای را گذرانیده بود تا فعالیت شرکتهای خارجی را در آنجا بسیار دشوار یا ناممکن سازد. با این نتیجه که بسیاری از میدانهای نفتی به حال خود رها شدند و منابع نفتی عملاً هیچ فایده‌ای برای کشور نداشتند.

آقای مکگی سپس گفت که مورد سوم کشور ونزوئلاست که ترتیبات منصفانه و عادلانه‌ای برقرار کرد و، در نتیجه، درآمد عظیمی را، که بالغ بر چند صد میلیون دلار در سال است، برای خود تضمین کرد و این امکان را برای دولت ونزوئلا فراهم آورد تا با اجرای طرح‌هایی سطح زندگانی مردم آن کشور را بالا ببرد. دکتر مصدق در این موقع یک صفحه کاغذ از میز پهلوی تخت خود بیرون آورد و مدعی شد که طبق آن میزان تولید نفت خام ونزوئلا تقریباً به همان اندازه تولید ایران است. مکگی گفت با اینکه ارقام دقیق را در دسترس ندارد، مطمئن است که میزان تولید ونزوئلا چند برابر بیشتر از ایران است. دکتر مصدق از روی کاغذ خود درآمدی که به دولت ایران پرداخت شده بود و درآمد پرداختی به دولت ونزوئلا را نقل کرد. در مورد ونزوئلا رقم بسیار زیادتر بود. وی گفت که این نشان‌دهنده «زدی» انجام شده به وسیله شرکت نفت ایران و انگلیس در ایران است. آقای مکگی سپس اظهار داشت که ترتیب جاری در ونزوئلا قراری منصفانه است و مورد رضایت دولت ونزوئلا و شرکتهای نفتی فعال در آن کشور است. وی امیدوار است که دکتر مصدق تا زمانی که اینجاست فرصت گفتگو با ونزوئلایی‌ها را پیدا کند. دکتر مصدق در مورد این پیشنهاد واکنشی ابراز نکرد.

آقای مکگی گفت که ما بسیار مشتاقیم که در این مسئله کمک کنیم زیرا این موضوع نه تنها برای ایرانیان و انگلیسی‌ها بلکه برای همه جهان آزاد نیز حائز اهمیت فراوان است. نفت یکی از اهرم‌های قدرت ملل آزاد جهان است. او گفت که ما علاقه‌مندیم شاهد آن باشیم که نفت به مقدار کافی تولید و به شکلی مناسب در سراسر جهان توزیع شود. وی افزود که ما مشتاقیم ببینیم که ایران موفق به انعقاد قراردادی شود که بیشترین میزان درآمد ممکن را با شرایطی مناسب، مشابه با آنچه هر ملت دیگری در جهان از آن برخوردار است، نصیب این کشور کند. وی اظهار داشت که قطعاً دکتر مصدق درک می‌کند که نمی‌تواند امید دستیابی به ترتیباتی به مراتب بهتر از آنچه در حال حاضر در این صنعت حکمفرماست داشته باشد. اگر وی قصد انجام دادن این کار را داشته باشد، نفت ایران نمی‌تواند در بازار جهانی رقابت‌پذیر باشد، و نفت یکی از رقابت‌پذیرترین

فعالیت‌های بازرگانی در جهان است. مک‌گی گفت که در حالی که ما مشتاقیم ببینیم که ایران به بهترین معامله ممکن دست می‌یابد، نمی‌توانیم از قراردادی که سبب تخریب ساختار کلی شبکه بازرگانی نفت در سراسر جهان شود حمایت کنیم.

دکتر مصدق اظهار داشت که دلیل این موضوع آن است که ایالات متحده نیز در سراسر جهان منافع نفتی دارد. اگر ایرانیان قراردادی به مراتب بهتر از دیگر قراردادها منعقد کنند، این امر موجب آشفتگی در این ترتیبات در سایر کشورها می‌شود.

آقای مک‌گی گفت که این موضوع تا حدودی صحت دارد اما ثبات در تولید نفت موضوعی است که مورد علاقه ماست. دولت ایالات متحده رأساً مالک هیچ شرکت نفتی نیست. همه شرکت‌های نفتی مستقل هستند و به بخش خصوصی تعلق دارند. سپس دکتر مصدق در باره اینکه آیا ایالات متحده هیچ منافع مالی در این شرکتها ندارد سؤال کرد. به وی گفته شد که چنین منافعی ندارد. او گفت پس این وضع باید سبب شود که ایالات متحده در این موضوع بی‌طرف بماند. آقای مک‌گی اظهار داشت که ما در این مورد بی‌طرف هستیم اما تنها خواهان این هستیم که شاهد انعقاد قراردادی باشیم که سهمی منصفانه به طرفین بدهد. دکتر مصدق پرسید «چه نوع سهمیه یا سهامی؟» مک‌گی گفت به طور کلی نوعی قرارداد که براساس فرمول پنجاه - پنجاه باشد. دکتر مصدق گفت ایران نمی‌تواند این را بپذیرد. روس‌ها این نوع معامله را برای نفت شمال ایران پیشنهاد کرده‌اند و اگر ایران این پیشنهاد را در جنوب ایران بپذیرد، ناچار می‌شود آن را در منطقه شمالی ایران نیز بپذیرد. آقای مک‌گی گفت که چنین موردی در اینجا صدق ندارد زیرا ایرانیان نفت خود را ملی کرده‌اند. دکتر مصدق اظهار کرد که هنوز هم فکر می‌کند که اگر آن را در جنوب بپذیرند، مجبور به قبول معامله مشابهی با روس‌ها هستند. وی اظهار کرد که نمی‌تواند بفهمد چرا باید درآمد خود را با دیگران تقسیم کنند. قانونشان آنان را ملزم می‌کند که میدانهای نفتی‌شان به دست دولت ایران و برای مردم ایران مورد بهره‌برداری قرار گیرد.

آقای مک‌گی گفت مهم است که نفت ایران رقابت‌پذیر باشد و، در غیر این صورت، ایران بازارهای خود را از دست می‌دهد. به مرور زمان، فقدان نفت ایران را می‌توان از منابع دیگر تأمین کرد، وی گفت که این اصل که قراردادی منعقد نشود تا الگوی بازرگانی جهانی نفت را به هم بریزد، برای ایالات متحده اصلی مهم است. وی اظهار داشت که این امر به خاطر منافع مالی دولت در بازرگانی نفت امریکا نیست، زیرا بازرگانی نفت در واقع متعلق به صدها هزار سهامدار کوچک، زنان بیوه، بازرگانان خرده‌پا، و غیره است. ما عقیده داریم که قرارداد باید منصفانه و عادلانه باشد، هم برای کشورهایی که مالک منابع زیرزمینی هستند و هم برای افراد کم‌درآمد و کوچکی که سرمایه خود را روی هم گذاشته تا موجبات تولید نفت را فراهم آورند. به نظر وی، نمونه قرارداد ونزوئلا برای هر دو طرف منصفانه است. وی تأکید کرد که در باره امتیاز یا چیزی

شبیبه آن صحبت نمی‌کند، بلکه تنها در باره اصل تقسیم منصفانه درآمد و سود سخن می‌گوید. دکتر مصدق اظهار داشت که در مورد ایران باید استثناء قائل شد، زیرا ایران یکی از همسایگان اتحاد شوروی است. عربستان سعودی و ونزوئلا در این موقعیت نیستند. مک‌گی گفت که در این مورد اصولی وجود دارد که برای ایران اهمیت دارد، از جمله صاحب خانه خود بودن، در قبال مداخله از خارج از مرزها در امور داخلی ایمن بودن، و به دست آوردن حداکثر درآمد ممکن از منابع زیرزمینی خود. وی گفت ایرانیان باید درک کنند که اصل عدم برهم زدن الگوی بازرگانی جهانی نیز برای ما اصلی مهم است. وی اینک دیگر نمی‌خواهد بر این موضوع اصرار بورزد، ولی از دکتر مصدق می‌خواهد که آن را در نظر داشته باشد و در باره آن فکر کند. دکتر مصدق پاسخ داد که این کار را انجام می‌دهد.

او گفت آقای مک‌گی مردی منطقی است. وی شخصاً در جلسه شورای امنیت حاضر خواهد شد و از کشور خود دفاع خواهد کرد. او ناچار است از پذیرش صلاحیت شورا در این موضوع خودداری کند، لکن البته موضوع صلاحیت قضایی چیزی است که شورای امنیت خود باید در آن باره تصمیم بگیرد. پس از تصمیم شورای امنیت، وی برای هر مذاکره‌ای که ممکن باشد در اختیار آقای مک‌گی می‌باشد، منوط به آنکه مستلزم گذشت زمان طولانی نباشد، زیرا اوضاع ایران به سرعت رو به وخامت می‌رود. مک‌گی گفت از اینکه ممکن است دکتر مصدق به این ترتیب در دسترس می‌باشند خرسند است. ما همه مشتاق دیدار با وی در واشنگتن هستیم. دکتر مصدق مجدداً آمادگی خود را برای مذاکره پس از تصمیم شورای امنیت تکرار کرد. او تأکید کرد که این مذاکرات بسیار محرمانه بود و فقط این مطالب را به آقای مک‌گی می‌گوید زیرا به وی اطمینان کامل داشت. مک‌گی از آنچه دکتر مصدق اظهار کرده بود ابراز سپاسگزاری کرد و گفت که به فاصله‌ای کوتاه به واشنگتن مراجعت می‌کند و، به محض داشتن مطلب جدیدی، مجدداً با دکتر مصدق تماس می‌گیرد. سپس او دکتر مصدق را ترک گفت.

۱. ملاقات در بیمارستان نیویورک موسوم (New York Hospital) صورت گرفت.

۲. در باره قطعنامه اول، نک به: سند شماره ۹۲؛ و برای قطعنامه دوم نک به: سند شماره ۱۱۰.

۳. ظاهراً مصدق به سخنرانی اول اکبر جب، هنگام معرفی قطعنامه اول، اشاره می‌کند. برای دیدن مفاد اظهارات جب نک به: *Security Council, Sixth Year, 559th Meeting, 1 October 1951, pp. 11 ff.*

خلاصه آن در Documents (R.I.I.A.) for 1951, pp. 531-539 موجود است.